اصالة عدم الدرد و تفاوت آن با اصالة القبول در اعتبارسنجی احادیث

آن چیزی که چند سال پیش عرض کردم؛ به گمانم اگر دقت آن معلوم شود، خیلی فوائد دارد. آن هم تفاوت گذاشتن بین اصالة عدم القبول یا اصالة القبول با اصالة الدرد یا عدم الدرد، بود. این دو خیلی تفاوت می‌کنند. به گمان من طلبه آن چیزی که عرض می‌کردم، شواهد عددهای دارد. به شرطی که با این عینک نگاه کنیم که اساساً مرام شارع –که اگر عقلاء آن را دارند، شارع آن را امضاء می‌کند- بر این است که اصل بر عدم الدرد است. نه این‌که اصل بر قبول باشد. هیچ ملازمه‌ای بین در نکردن و قبول کردن نیست. بناء شارع بر این است که هیچ خبری را در نمی‌کند. اما بناء او بر این نیست که قبول می‌کند. بین این دو خیلی تفاوت است. از کجا می‌گوییم؟ از این آیه شریفه‌ای که همه می‌دانیم: «إِنْ جاءَكُمْ فاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْماً بِجَهالَةٍ[1]»؛ می‌گوید «فتبیّنوا»، نمی‌گوید «فردّوه». اگر آیه می‌فرمود چون فاسق است، آن را در کنید، دراین‌صورت اصل کار شارع، بر در خبر واحد می‌شد. اما اصل بر عدم در است. «تبیّنوا» یعنی سریع در نکنید. ولی چون فاسق است قبول هم نمی‌کنیم. لذا توقف کنید و تحقیق کنید.

این خیلی پرفایده است. جلسات متعددی ما مباحثه کردیم. ظاهراً پیاده هم شده است. جلسات متعددی در تفاوت بین این‌ها، شواهدش بحث کرده‌ایم. لذا خیلی از جاهایی که بین فقها و بین اقوال آن‌ها نزاع می‌شد، من با همین طریق حل می‌کردم. یعنی ایشان که روی مبنای اصالة عدم الدرد چیز بیجایی نگفته است. شما می‌خواهید قبول کرده، درحالی‌که او قبول نکرده. روی مبنای اصالة عدم الدرد و مراتب طولیای که اصل عدم الدرد تا قبول طی می‌کند. لذا نباید فوری گفت وقتی اصالة عدم الدرد را گفتید، یعنی قبول کردید! نه چه کسی این را می‌گوید؟! پایه اصلی بر عدم الدرد است. در هیچ خبری اصل بر ردش نیست.

شاگرد: یعنی مذهب می‌تواند در قبول دخالت داشته باشد؟

استاد: بله. همچنین این‌که در زمان تحدیث، مذهبش چه بوده هم دخالت دارد. همچنین تناسب محتوای حدیث با مذهب او هم دخالت دارد. گاهی می‌بینید که مذهب او امامی نیست اما محتوای حدیثش ربطی به مذهب ندارد. بلکه به چیز دیگری مربوط می‌شود. اصلاً مشترک بین الکل است. خب آن جا خیلی دور می‌رود که شما صرفاً به‌خاطر مذهب او، با این‌که می‌دانید او در نقل ثقه است، او را در کنید. قرائن هم دارد. بله، مذهب به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در خروجی کسر و انکسار ارزش، تأثیر می‌گذارد. اما خود تأثیرگذاری آن به یک نحو متواطی نیست. یعنی وقتی مذهب با محتوای مشترک است، تأثیرگذار نیست. بلکه تأثیرگذاری آن ضعیف می‌شود. این حاصل عرض من است. به این، موضوع‌محور می‌گوییم. یعنی شما موضوع را محور می‌گذارید و از سند، از متن، از بیرون و از داخل شواهد می‌آورید تا ببینید این موضوع چه درصدی از ارزش صدق را به خودش اختصاص

می‌دهد.

---

[1] الحجرات ۶

بازبینی #1
ایجاد شده 16 مه 2026 13:54:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 مه 2026 13:55:19 توسط ... .